



Res. article

Journal of Research in Narrative Literature, Razi University

Vol. 9, Issue 2, Summer 2020, 19-38.

Feminist Criticism of Mary Jahani's Novel *This Street Has No Speeding Bump*

Farshad Eskandari Sharafi^{*1}

M.A. Student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Setayesh Fatahi²

M.A. Student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Vahid Mobarak³

Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 11/08/2019

Accepted: 07/02/2020

Abstract

Feminism is a social movement which began in the late eighteenth century with the aim of eradicating gender discrimination in Europe and the United States, and it has passed through three different stages, many groups and trends have emerged from it. With the advent of feminist ideas in the field of literary criticism, feminist criticism was established in the late 1980s, which analyzes the literary works through the interplay of "images of woman" and "criticism of female writer". This study is based on feminist criticism and using descriptive-analytical methods as well as library references, "images of woman" and "feminine signs of writing" in Mary Jahani's novel *This Street Has No Speeding Bump*. The results indicate this work exhibit the necessity for women's financial independence along with their cultural-social barriers on female employment, male dominance over women, paternalism, men's sexual diversity and infidelity, physical, psychological, sexual, economic and legal violence against women and early marriage are the key issues and problems of women in the patriarchal societies. Furthermore, meticulousness, prolixity, nostalgia, complex narration, and the search for true love, which are the major characteristics of feminine writings and styles, are readily found in the novel.

Keywords: Feminism, Woman, Feminist Criticism, Images of Woman, Feminine Writing.

1. **Corresponding Author's Email:**

2. **Email:**

3. **Email:**

efarshad850@gmail.com

sfattahee@gmail.com

vahid_mobarak@yahoo.com

www.SID.ir



پژوهشنامه ادبیات داستانی، دانشگاه رازی
دوره نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۹-۳۸.

نقد فمینیستی رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد* اثر مریم جهانی

فرشاد اسکندری شرفی*^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

ستایش فتاحی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

وحید مبارک^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۲

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۷

چکیده

«فمینیسم» جنبشی اجتماعی است که از اواخر قرن هجدهم و با هدف برچیده شدن تبعیض‌های جنسیتی زنان، در اروپا و آمریکا آغاز شد و تا کنون سه دوره مختلف را پشت سر گذاشته و گروه‌ها و گرایش‌های گوناگونی از آن پدید آمده‌است. با راه یافتن اندیشه‌های فمینیستی به حوزه نقد ادبی، در اواخر دهه ۱۹۶۰، «نقد فمینیستی» (زن‌مدارانه) پایه‌گذاری شد که آثار ادبی را با دو رویکرد «جلوه‌های زن» و «نقد زن نویسنده» مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهد. در این جستار بر اساس نقد فمینیستی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، جلوه‌های زن و نشانه‌های زنانه‌نویسی رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد*، نوشته مریم جهانی، نقد و بررسی شده‌است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که در این اثر ضرورت استقلال مالی زنان و موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال آنان، برتری دادن جنس مذکر بر مؤنث، مردستیزی و سنت‌شکنی زنان، پدرسروری، تنوع‌طلبی و خیانت مردان، خشونت‌های جسمی، روانی، جنسی، اقتصادی و حقوقی علیه زنان و ازدواج زودهنگام که از مسائل و مشکلات اصلی زنان در جوامع مردسالار است، به روشنی منعکس شده‌است. همچنین در جای‌جای این رمان جزئی‌نگری، اطناب و پُرگویی، نوستالژی، روایت دالان در دالان و جستجوی عشق حقیقی که از عمده ویژگی‌های نوشتار و سبک زنانه است، دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فمینیسم، زن، نقد فمینیستی، جلوه‌های زن، زنانه‌نویسی.

efarshad850@gmail.com

۱. رایانامه نویسنده مسئول:

sfattahee@gmail.com

۲. رایانامه:

vahid_mobarak@yahoo.com

۳. رایانامه:

۱. مقدمه

واژه فرانسوی فمینیسم^۱ که از ریشه‌های لاتین "Femind"، در معنای زن^۲ گرفته شده، بیانگر اعتقاد و اقدام به رفتارهایی است که حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان به همراه داشته باشد یا به عبارت دیگر، بیانگر اعتقاد به این است که ارتباط میان مرد و زن در جوامع انسانی همواره متضمن سرکوب، فرودستی، از خود بیگانگی و کالاشدگی زنان بوده است (ر.ک: سبزیان مرادآبادی و کزازی، ۱۳۸۸: ۲۱۶).

موج اوّل فمینیسم از اواخر قرن هجدهم آغاز شد و دو جریان ظهور سوسیالیسم^۳ در اروپا و جنبش‌های برده‌داری^۴ در آمریکا، در رشد و بالندگی آن نقش به‌سزایی داشته‌اند. اصلاح لباس زنان که مانع از تحرک و فعالیت بیشتر آنان می‌شد، اصلاحات حقوقی مانند برچیده شدن قانونی که شخصیت حقوقی زن را بعد از ازدواج نفی می‌کرد، اصلاحات سیاسی با محوریت دستیابی زنان به حق رأی، درخواست برابری اقتصادی و... مهم‌ترین خواسته‌ها و محورهای مبارزه زنان بود (ر.ک: مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۲۲).

در دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ زمینه‌ها برای ظهور موج دوم فمینیسم فراهم می‌شد. در موج دوم، شعار جنبش زنان که در آغاز رهایی و دستیابی به حقوق و برابری بود، به آزادی‌بخشی و مبارزه و سرکوب تغییر یافت که نشان‌دهنده تغییر اساسی در آرمان‌ها و خواسته‌های جنبش بود (ر.ک: وولف، ۱۳۸۹: ۳۱۵).

موج سوم فمینیسم از دهه هشتاد آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد. یکی از ویژگی‌های اصلی این موج، پذیرش و به رسمیت شناختن تعدد، تکثر و تنوع در فمینیسم و انتقال بخشی از مبارزات فمینیستی به حوزه‌های مشترک با سایر جنبش‌های اجتماعی است (ر.ک: مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۵۱۳). دیگر ویژگی بارز موج سوم فمینیسم، تمرکز فعالیت فمینیست‌ها در نهادهای فرهنگی و دانشگاهی، نشر روزافزون کتاب و مقاله و انتقاد به ماهیت مردگرا و مردمحور همه علوم، اعم از فلسفه، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی و... و تلاش برای ارائه و جایگزینی علوم با صبغه زنانه به دست زنان است (ر.ک: رودگر، ۱۳۹۴: ۶۴).

با گذشت زمان و گسترش محدوده جغرافیایی فمینیسم، گروه‌ها و گرایش‌های گوناگونی از این ایدئولوژی پدید آمده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

الف) فمینیسم لیبرال^۵ قدیم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شکل اندیشه فمینیستی است و غالباً مترادف خود

1. Feminism

2. Woman

3. Socialism

4. Slavery Abolitionist Movement

5. Liberal Feminism

فمینیسم دانسته می‌شود. این گرایش نابرابری حقوق مدنی و فرصت‌های آموزشی را سرچشمهٔ ستم بر زنان می‌داند و مبارزه برای کسب آزادی‌های فردی زنان در چهارچوب جامعهٔ موجود را هدف خود قرار داده است (ر.ک: وولف، ۱۳۸۹: ۳۴۶).

ب) محور فکری فمینیست مارکسیستی^۱، رفاه و استقلال اقتصادی زنان است. فمینیست‌های مارکسیست ریشهٔ انقیاد زنان را در شیوهٔ تولید سرمایه‌داری و جدایی کار از خانه که به تقسیم کار جنسیتی انجامید، معرفی می‌کنند و دگرگونی بنیان اقتصادی را تنها چارهٔ رفع ستم دیدگی زنان می‌دانند (همانجا).

ج) گرایش فمینیسم رادیکال^۲ ادعا دارد ریشهٔ ستم بر زنان در نظام جنسی طبقاتی و در این نکته است که زنان در این نظام نسبت به مردان طبقه‌ای فرودست شمرده می‌شوند. این گرایش از آن‌رو رادیکال نامیده می‌شود که همهٔ انواع ستم را ناشی از برتری جویی مردان می‌داند و شکل محتمل جوامع آینده را زن‌محور معرفی می‌کند (ر.ک: همان: ۳۴۷).

د) فمینیسم سوسیالیستی^۳ در اواخر دههٔ ۶۰ و اوایل دههٔ ۷۰ قرن بیستم با گرت‌برداری از مبانی فکری دیگر گرایش‌های فمینیستی و تلفیق آموزه‌های آن‌ها به‌ویژه فمینیسم مارکسیستی و فمینیسم رادیکال سربرآورد. به باور این گروه از فمینیسم‌ها در نظام سرمایه‌داری مردسالار که بقایش مبتنی بر بهره‌کشی از کارگران و زنان است، زنان شهروندانی درجهٔ دو محسوب می‌شوند و تنها راه حل تحول در چنین اجتماعی، خارج کردن مالکیت ابزار تولید از حالت تک‌قطبی (مردانه) است (ر.ک: سبزیان مرادآبادی و کزازی، ۱۳۸۸: ۴۵۵).

ه) فمینیسم پسامدرن^۴ که با تعاریف القایی تفکر مردسالار مخالفت دارد، تلاش می‌کند مقولهٔ ثابت و تعریف‌شدهٔ زن (مفاهیمی چون احساسی، شهوانی، شرارت، ضعف، تصمیم، فقدان استدلال و عدم توان مدیریت) را نقد کند و نشان دهد که این ذهنیت برساختهٔ متون است و تعاریف جهان‌شمولی که از زنان داده شده، ساختگی و بی‌اساس است (ر.ک: همان: ۳۹۱).

۱-۱. نقد فمینیستی (زن‌مدارانه)

در نظریه‌های نقد ادبی، نظریه پردازان مرد یا اصلاً توجه خاصی به نحوهٔ ارائهٔ شخصیت‌های زن در ادبیات (به‌ویژه داستانی) نداشته‌اند و یا اگر هم به این موضوع پرداخته‌اند، این کار را صرفاً از منظری مردسالارانه و حتی با تأیید تلویحی ستمی که بر زنان روا می‌شود، انجام داده‌اند (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۲: ۱۴۱). پیدایش نقد

1. Marxist Feminism
2. Radical Feminism
3. Socialist Feminism
4. Postmodern Feminism

فمینیستی^۱ (زن‌مدارانه) در اواخر دهه ۱۹۶۰ تحولی مهم در نقد ادبی محسوب می‌شود و نیوتون^۲ آن را برجسته‌ترین اتفاق در مطالعات ادبی بعد از جنگ دانسته‌است. نظریه پردازان معروف این نوع نقد سیکسو^۳، ایری‌گری^۴، کریستوا^۵، شووالتر^۶ و... هستند و ریشه‌های آن را می‌توان در آثاری همچون *پشتیبانی از حقوق زنان* (۱۷۹۲)، نوشته مری ولستون کرافت یکی از پیشگامان سرشناس این نوع نقد و نوشته‌های ویرجینیا وولف^۷، نویسنده انگلیسی یافت (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۲۹؛ داد، ۱۳۹۰: ۴۸۴).

نظریه پردازان فمینیست برای نقد فمینیستی دو گرایش عمده در نظر گرفته‌اند؛ گرایش نخست «جلوه‌های زن»^۸ نامیده می‌شود و اساساً به این موضوع می‌پردازد که زن در آثار ادبی (به‌ویژه آثاری که مردان نوشته‌اند) به چه صورت و با کدام نقش‌های قالبی به خواننده ارائه شده‌است. پیروان این گرایش بر این باورند که نویسندگان مذکر، با این تصور که خواننده آثارشان مرد است، دست به نوشتن می‌زنند و همین پیش‌زمینه ذهنی سبب می‌شود تا آثار آنان متناسب و منطبق با مقتضیات فرهنگ مردسالار و باز تولید آن باشد (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۲: ۱۴۲). گرایش دوم نقد فمینیستی، «نقد زن نویسنده»^۹ نامیده می‌شود و نظریه پرداز اصلی آن لیان شووالتر است. هدف این گرایش توجه به زن در مقام نویسنده است؛ زیرا به عقیده شووالتر، گرایش نخست نقد فمینیستی، عملاً تنها به نظرات مردان در مورد زنان می‌پردازد و از این رو حیطة محدودی دارد. بر این اساس شووالتر و دیگر پیروان گرایش دوم، نظر خاصی به ساختار و مضامین آثار ادبی نویسندگان زن دارند تا از این طریق به شناخت پویا روانی و فعالیت‌های زنانه راه ببرند (ر.ک: همان: ۱۴۳-۱۴۴).

۱-۲. مریم جهانی و رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد*

مریم جهانی، نویسنده و شاعر ایرانی، متولد یکم دی ماه سال ۱۳۶۵ در کرمانشاه و دانش‌آموخته کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی است. او که فعالیت ادبی خود را از دوره دبیرستان و با سرودن شعر آغاز کرده، از سال ۱۳۹۰ به‌طور جدی به داستان‌نویسی پرداخته و در سال ۱۳۹۲ نخستین مجموعه داستانش را با عنوان *چراغ‌های خاموش منتشر ساخته‌است*. دومین اثر مریم جهانی رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد* است که در سال ۱۳۹۵ منتشر شد و در سال ۱۳۹۶ علاوه بر این که جایزه ادبی جلال آل‌احمد (دهمین دوره) را در بخش

1. Feminist Criticism
2. K.M. Newton
3. Helene Cixous
4. Luce Irigaray
5. Julia Kristeva
6. Elaine Showalter
7. Virginia Woolf
8. Images of Woman
9. Gyno Criticism

«داستان بلند و رمان» (به صورت مشترک) از آن خود کرد، در سی و پنجمین دوره کتاب سال نیز اثر برگزیده بخش ادبیات (نثر) شناخته شد.

این خیابان سرعت گیر ندارد، رمانی واقع گرا و زن محور است که راوی و قهرمان آن زنی سی ساله و مطلقه به نام «شهره» است. شهره در نوجوانی به شغل رانندگی تا کسی علاقه مند می شود و مهارت رانندگی را فرامی گیرد؛ اما بعد از ازدواج با حامد همانند بقیه زن ها اسیر دنیای خانه داری و همسر داری می شود و احساس می کند استعدادش هدر رفته است. جدای از این، شهره شش سال تمام با دیدن خرجی روزانه که صبح به صبح حامد روی پیشخوان آشپزخانه می گذارد و می رود، احساس حقارت می کند. همه این ها به همراه رفتارهای خیانت مآبانه ای که شهره گاه و بیگاه از همسرش می بیند، سبب می شود که او با وجود مخالفت های شدید اطرافیان، بالاخره اندیشه راننده تا کسی شدنش را عملی کند. حامد به شدت با این تصمیم شهره مخالف است و او را تهدید به طلاق می کند. شهره هم برای این که بیشتر از این خوار و خفیف نشود، خودش درخواست طلاق می دهد و از شوهرش جدا می شود و برای در امان ماندن از سرکوفت های مادرش که طلاق را شوم ترین اتفاق زندگی زن می داند، آپارتمانی اجاره می کند و مستقل و تنها به شغل خود و زندگی جدیدش ادامه می دهد.

۱-۳. شیوه و پرسش های پژوهش

در این پژوهش که بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای صورت می گیرد، ابتدا تمامی مسائل زنانه و مختصات سبک زنانه رمان را استخراج می کنیم و در ادامه به تبیین و تحلیل مهم ترین و پر بسامدترین آن ها بر پایه اندیشه های فمینیستی و مبانی نقد فمینیستی خواهیم پرداخت تا از این طریق به پاسخی برای پرسش های زیر دست یابیم:

- مهم ترین مسائل و جلوه های زنانه رمان کدامند؟

- مهم ترین شاخصه های زنانه نویسی و نثر زنانه رمان کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه «نقد فمینیستی ادبیات داستانی معاصر ایران» تاکنون پژوهش های درخور توجهی صورت گرفته و رمان ها و مجموعه داستان های فراوانی از این منظر تحلیل و بررسی شده اند که برخی از آن ها عبارتند از: غلامحسین زاده و حسینی (۱۳۹۲) رمان *خاله بازی*، اثر بلقیس سلیمانی را از دیدگاه نقد فمینیستی بررسی کرده اند؛ دستاورد پژوهش آنان نشان می دهد این رمان که یکی از آثار داستانی زنان در دهه هشتاد است، با مورد توجه قرار دادن بخشی از زندگی یک زن نازا، مشکلات چنین زنانی را به تصویر کشیده است و

همچنین زبان داستان به شکلی آگاهانه زنانه است که با مضمون اثر انطباق و اتصالی قوی دارد و تأثیری عمیق در پذیرش داستان از سوی مخاطب دارد. قاسم‌زاده و علی‌اکبری (۱۳۹۵) در پژوهشی به واکاوی مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من، نوشته سپیده شاملو پرداخته‌اند. دستاورد پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که این رمان مدرنیستی به شیوه‌ای ساختارشکنانه در پی ایجاد تردید در تقابل دو گانه مرد/زن است؛ به همین سبب، شخصیت‌های زن داستان موقعیت و هویت زنانه خویش را محصول روابط اجتماعی تحمیلی مردسالاری می‌دانند که مردان و اقتدار زبان مردانه برایشان آفریده‌است. همچنین زبان نوشتاری متن به سبب انعکاس باورها، جهان‌بینی و عواطف زنانه، برجسته کردن اندام جنسی، توجه به حس‌بیزیاری و هراس در زنان، هرزه‌نگاری، اعتراض به نگاه خیره مردانه، برگزیدن جمله‌های کوتاه و... تلاشی برای رسیدن به سبک نوشتاری زنانه به شمار می‌آید. محمودی و حیدری (۱۳۹۷) جایگاه زن را در رمان‌های غزاله عزیززاده تحلیل کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش گواه این است که عزیززاده زنان را بیشتر در معرض حوادث سیاسی- اجتماعی پس از انقلاب قرار داده‌است و با چشم‌اندازی اعتدال‌گرا به انتقاد از تنهایی زن در جامعه پرداخته‌است و با رویکردی اشراقی و عرفانی، تلاش کرده تا نقش زن و سهم زنان را در تاریخ اجتماعی ایران پررنگ‌تر نشان دهد. در جستجوهای انجام گرفته، پژوهشی در زمینه نقد فمینیستی رمان *این خیابان* سرعت‌گیر ندارد اثر مریم جهانی یافت نشد.

۳. مسائل و جلوه‌های زنانه

۳-۱. موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان

بیرون آمدن زنان از حصار خانه‌ها و مشغول به کار شدن آنان در اجتماع که منجر به استقلال مالی و کاهش وابستگی‌شان به مردان می‌شود، موضوعی است که همواره مورد توجه فمینیسم‌ها بوده‌است؛ آن‌ها «تأکید خاص بر مشارکت اقتصادی و برابری زنان با مردان داشته، حتی گاهی اوقات ارزش کمتری برای کارخانه قائل می‌شوند. به نظر آنان زنان ظرفیت‌های مورد نیاز را برای دسترسی برابر به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی و فکری در اختیار دارند و از این لحاظ هیچ نقصانی را نسبت به مردان بر نمی‌تابند» (خسروشاهی و مومنی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

این حضور و فعالیت زنان در عرصه مشاغل گوناگون با موانع فرهنگی و اجتماعی خاص هر جامعه روبه‌رو است که در داستان‌های فمینیستی به آن‌ها پرداخته شده‌است تا جایی که «بخش اعظم جذابیت و گیرایی داستان‌های فمینیستی، در حضور مستمر زنان در بیرون خانه و رویارویی با نیروهای خارجی مختلف است» (روزبه و طالبی، ۱۳۸۹: ۹۳).

در رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد* نیز حضور زنی به نام شهره در کسوت راننده تاکسی و اصرار و پافشاری او برای موقّیت در این شغل، کشش و گیرایی اثر را بالا برده است. شهره در مرحله نخست با مخالفت شوهرش همراه است؛ حامد «پا تو یک کفش کرده بود که اگر می‌خواهم راننده تاکسی شوم، از خانه او بروم» (جهانی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

علاوه بر حامد، مادر شهره، دایی و پسر دایی‌اش، بابک، هم که تفکرات سنتی و متعصّبانه جامعه مردسالار تا عمق وجودشان نفوذ کرده، به شدت با شغل شهره مخالفت می‌ورزند: «روزی که راننده تاکسی شدم، مادر گفت: «چهار سال دیه پشیمون می‌شی. او وقتی که هیچ مردی نره زیر بارت.»» (همان: ۱۱۰). «یک بار تهدیدم کرد که اگر دست از شغلم نکشم، می‌سپرد به اراذل و اوباش جیره‌خور خودش که اسید پاشند به صورتم. هه زدم و گفتم: دایی تو فکر کردی کسی که راننده می‌شه، سر و ظاهر براش مهمه. از مه می‌شنوی معطل نکن. بده پیاشن» (همان: ۱۳۴).

«شبی که بابک مرا پشت تاکسی درحالی دید که چهار تا مرد صندلی‌های ماشین را اشغال کرده بودند، از مادرم شنیدم که سیاه‌مست کرده و تمام محل را از دم فحش گذرانده» (همان: ۱۱۰). در پایان داستان از آن جایی که «شخصیت‌های زن در داستان‌های فمینیستی در غالب موارد، به راحتی از عهده وظایف محوله برمی‌آیند و خطّ بطلانی بر تمامی تصوّرات پیشین نسبت به خود می‌کشند» (روزبه و طالبی، ۱۳۸۹: ۹۳)، شهره هم در شغل خود موقّی می‌شود و با دیدن یک تاکسی سمند زرد پلاک نوزده که راننده‌اش زن است، احساس پیروزی می‌کند (ر.ک: جهانی، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

۲-۳. برتری دادن پسر بر دختر

در فرهنگ‌های مردسالار فرزند پسر همواره بر دختر ترجیح داده می‌شود و «این طرز تفکر، به نوع تلقّی جامعه پدرسالار از زن برمی‌گردد که مرد را نیروی کار مفید می‌دانست و زن را به سبب محدودیت‌هایش خوار می‌داشت» (صادقی شهپر و حجّار، ۱۳۹۲: ۸۴). در این داستان بارها شاهد نمود این دیدگاه سنتی و مردسالار از سوی شخصیت‌ها هستیم؛ زیرا «به علت اعتباری که زن برای مردان قائل است و نیز به علت امتیازهایی که مردان از آن برخوردارند، بسیاری از زنان در آرزوی داشتن پسرند» (دوبووار، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۹۲). اوج این تفکر در اندیشه‌ها، گفتار و رفتار مادر شهره دیده می‌شود. او که خود پسر ندارد و به اصطلاح «اجاق کور» است، همیشه این حسرت را با خود به همراه دارد و وقتی که صاحب نوه پسر می‌شود، می‌خواهد با گرفتن جشن ختنه‌سوران برای او این کمبود روحی خود را جبران کند: «با پوزخندی می‌گویم: «مامان می‌خواهی عالم و آدمه خبردار بکنی که صاحب نوه پسر شدی؟ ختنه‌سوران برای ئی می‌گیری؟» ...

می گوید: «جان به جانت بکنن انسان نمی شی» ...

– مگه دروغ می گم؟ یه عمر حسرت اجاق کوری نخوردی مامان؟ حسرت پسر؟ راستی مامان اجاق یه خانه فقط با پسر روشن می شه؟

– خب معلومه که با پسر روشن می شه. فکر کردی اگه الان یه پسری داشتم، می داشت تو ئی بلا سرت بیاد» (جهانی، ۱۳۹۷: ۶۱).

۳-۳. مردستیزی

در داستان‌های زن‌محور، چهره‌ای که از مردها توصیف می‌شود، معمولاً مستبد، زورگو، خشن و در مجموع زشت و ناموجه است که همواره در صدد برتری جویی و پایمال کردن حقوق زن است. نگاه زنان به‌ویژه در داستان‌های تند و عصبی، ضد مردان است. مردان در این دست از داستان‌ها، کمتر خصایل انسانی معمولی را دارند؛ یعنی یا بد مطلقند یا خوب مطلق و البته بیشتر بد (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۳). تصویری که شهره به‌عنوان راوی داستان از مردهای دوروبرش به دست می‌دهد، تصویری انتقادی و سرزنش‌وارانه است. شهره، حامد، شوهر سابقش را مردی تنوع‌طلب، بابک پسردایی‌اش را فردی خشن و بی‌احساس، دایی‌اش را آدمی زورگو و قلدرد، پدر محبوبه را فردی معتاد و بددهن که جز زخم‌زبان زدن به زن و دخترش کار دیگری بلد نیست، معرفی می‌کند. در سراسر داستان لحن انتقادی شهره نسبت به مردها احساس می‌شود. تنها مردهایی که ایده‌آل او هستند و او با آن‌ها در ستیز نیست، فرهاد و پدرش هستند؛ فرهاد به دلیل نگاه متجددانه و ارزشی که برای آزادی زن قائل است و پدر به خاطر رعایت دخترسالاری در تربیت او. شهره روی هم‌رفته شخصیتی مردستیز دارد و این ستیز در اندیشه و کلام و رفتارش پیداست. او به گرفتن جشن ختنه‌سورانی که به پسرها غرور نرینگی می‌بخشد، نگاهی تمسخرآمیز دارد: «وق آبتین چند دقیقه بند می‌آید. بیچاره را ناکار کرده‌اند، حالا می‌خواهند جشن هم برایش بگیرند؛ اما نه، این جشن از همین سن به او غرور نرینگی می‌بخشد» (جهانی، ۱۳۹۷: ۸۴).

او همچنین حقوقی را که مردها بنا به قوانین نانوشته و صرفاً بر اساس سنت‌های غلط برای خود تراشیده‌اند، به سخره می‌گیرد. زن‌ها «تا هم جنس خودشان را می‌بینند که پشت فرمان تاکسی لم داده، سر و سینه جلو می‌دهند و با غرور در شاگرد را باز می‌کنند. انگار که با آن کار بیلاخ نشان بدهند به همه مردانی که یک عمر جلو نشستن را حق‌آزلی ابدی خودشان می‌دانستند» (همان: ۷-۸).

۴-۳. عصیان علیه سنت‌ها

«یکی از مباحث مهمی که در نقد جلوه‌های زنان مطرح می‌شود، بررسی چهره شخصیت‌ها به منظور

ساختار شکنی از نقش‌های کلیشه‌ای و قالبی است و دیگر توجه به این که آیا نویسنده توانسته است تعریف جدیدی از زن بودن ارائه دهد یا نه» (محمدی آسیابادی و نجابتیان، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در این رمان نویسنده با آفرینش شخصیتی به نام شهره که اندیشه‌ها و رفتار او در چهارچوب عرفی که فرهنگ مردسالار برای زنان تعریف کرده است، نمی‌گنجد، تصویری متفاوت از زن بودن به نمایش گذاشته است. در شخصیت شهره علاوه بر سنت شکنی در مسئله اشتغال و استقلال مالی، نمونه‌های دیگری از عصیان علیه سنت‌ها دیده می‌شود. تن ندادن به ازدواج با پسردایی‌اش بابک، خود به سخره گرفتن ازدواج‌های سنتی و فامیلی است. نپوشیدن چادر در مراسم خواستگاری هم تا حدودی پشت‌پازدن به سنت‌هاست: «آن روز مادرم هر کار کرد، چادر سرم نکرده و با بلوز و شلوار چایی بردم و پدر تا مرا دید اول خوب براندازم کرد؛ مبادا جایی از بدنم پیدا باشد و وقتی دید کامل پوشیده‌ام، به پوست کندن موزش ادامه داد» (جهانی، ۱۳۹۷: ۲۸). بر خورد متفاوت شهره با مسئله مهریه هنگام ازدواج با حامد هم نمونه دیگر انزجار و نفرت او از سنت‌هاست «گفتم: «تو خر کی باشی که طلاق بدی. خودم تقاضای طلاق می‌دم».

گفت: «آره این درست‌ترین کاره. چون مهریه هم که نداری بخوای پرویی کنی» (همان: ۱۳۷). دست دادن شهره به فرهاد هم نوعی بی‌محلّی به سنت‌هاست: «دست دراز کرد و من ماندم چه کنم؟ نه این که شرم کنم یا تعصّبی خاص رو این مسئله داشته باشم... نمی‌خواستم تصوّرش را از زنی آزاد خراب کنم. دست دادم و فرهاد بی آنکه دستم را رها کند تا دم تا کسی با من آمد و در را برایم باز کرد» (همان: ۱۰۶).

۳-۵. پدرسروری

پدرسروری^۱ و رفتار مستبدانه پدرها با دخترها را می‌توان از عمده ضعف‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع سنتی به شمار آورد که در ادبیات زن‌محور ایران به خوبی بازتاب یافته است. دختران داستان‌های معاصر فارسی همه کم و بیش از پدرسالاری رنج می‌برند. رفتار و گفتار پدران سرشار از خشونت و زورگویی و بی‌منطقی است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۱۸).

در این داستان با شخصیتی تباه‌شده به نام «فریبا محبّی» روبه‌رو هستیم که هم کلاسی دوره دبیرستان شهره و کاپیتان تیم والیبال مدرسه‌شان بوده و بعدها به تیم والیبال استان و اردوی تیم ملی دعوت می‌شود و برای رفتن به خارج گیر رضایت پدر خود است؛ اما پدرش با رفتن او موافقت نمی‌کند؛ این رفتار دیکتاتورمآبانه پدر فریبا باعث سرخوردگی او و روی آوردنش به اعتیاد می‌شود: «می‌نشیم کنارش. ها نفسم را می‌ریزم تو

مشت و بوی اسکناس‌ها را می‌ریزم تو ریه. جیب‌های گشاد پالتو چرک مرده‌اش انگار از ازل برای این ساخته شده‌اند که من اسکناس‌ها را مثل همیشه نه به دستش که بصرانم تو آن‌ها نکند هی... بشناسدم و شب عوض نشگی کراک درد غرور شکسته بریزد به جانم» (جهانی، ۱۳۹۷: ۱۲۳-۱۲۴).

۳-۶. ازدواج زودهنگام

ازدواج زود هنگام دختران در تضاد با حقوق زنان و آرمان‌های فمینیستی است؛ زیرا آسیب‌ها و پیامدهای جسمی و روحی برای دختران به بار می‌آورد و فرصت‌هایی همچون تحصیل و دستیابی به شغل و موقعیت اجتماعی مناسب را از آن‌ها می‌گیرد. نویسنده در بخشی از داستان گریزی به این مسئله زده است: «صدایش جوان است. صورتش جوان است. شاید هم سن و سال باشیم؛ اما چرا می‌گوید دخترم؟ یادم می‌آید که زن‌های روستاهای شهر من در پانزده سالگی مادر می‌شوند و در سی و پنج سالگی مادر بزرگ و در چهل سالگی می‌میرند» (همان: ۸۲).

۳-۷. بی‌وفایی، تنوع‌طلبی و خیانت مردها

زن‌ها به خاطر خوی زنانگی و علاقه شدیدی که به بنیان خانواده و حفظ آن دارند، حساسیت خاصی بر روی نحوه گفتار و رفتار همسرانشان با دیگر زنان دارند. این حساسیت همواره به صورت دغدغه‌ای جدی برای زنان مطرح است تا آن‌جا که سعی می‌کنند مانع هر نوع رابطه عاطفی معنادار مردهایشان با دیگری شوند. در این داستان شهره بعد از ازدواج با حامد متوجه خصلت تنوع‌طلبی حامد و خیانت او می‌شود که عاشق زنی دیگر به نام هستی شده و بارها این زن را در مغازه حامد می‌بیند «نزدیکی‌های غروب بود. دست تو جیب‌هام کرده بودم و تو غلغله مغازه حامد کناری ایستاده بودم و به لوزه‌های آبی دختری نگاه می‌کردم که پشت پیشخوان کنار حامد ایستاده بود و مشتری راه می‌انداخت و گاه‌گاه نگاه سنگینش آزارم می‌داد» (همان: ۱۱۱).

۳-۸. خشونت

خشونت علیه زنان پدیده‌ای تاریخی و جهانی است که در سراسر جهان به شکل‌های گوناگون رخ می‌دهد و ریشه در روایات جنس مرد و نقش‌های مردانه دارد. جبهه‌گیری‌های اجتماعی با این پدیده، نوظهور است و سابقه چندانی ندارد و بحث پیرامون آن از حدود یک سده پیش، با شروع موج اول جنبش زنان، مطرح و از حدود سال‌های ۱۹۷۰ م. به بعد به‌طور جدی دنبال شد. از این زمان به تدریج در اثر فعالیت افراد مختلف، خشونت در خانواده‌ها تحت بررسی‌های متعدد قرار گرفت (اعزازی، ۱۳۸۳: ۴۹). در این داستان زنانی که در دام جامعه مردسالار خویش گرفتار آمده‌اند، بارها مورد انواع خشونت مردان قرار می‌گیرند. ما در این‌جا به

بررسی این مسئله پرداخته‌ایم و انواع خشونت را با ارائه نمونه‌هایی از متن داستان، نشان داده‌ایم.

۳-۸-۱. خشونت جسمی

خشونت جسمی به هر نوع رفتار خشنی گفته می‌شود «که از روی قصد و نیت منجر به آسیب جسمانی شود و مصادیق آن عبارتند از: ضرب و شتم، مشت زدن، گاز گرفتن، سیلی زدن، خفه کردن، ضربه با شیء یا مشت، چاقو کشی، تیراندازی، مثله کردن، زنده به گور کردن، سقط به خاطر جنسیت، اسیدپاشی، آزار مادر به دلیل جنسیت جنین، خودکشی اجباری، شکنجه و قتل، ...» (محبی، ۱۳۸۰: ۸).

در این رمان مصداق خشونت جسمی را در رفتار محسن با محبوبه می‌توان مشاهده کرد. موضوعی که خود از عوامل اصلی جدایی و طلاق محبوبه از او بوده است. «محبوبه شوهر کرد به محسن چون تا آمد به خودش دید عاشقش شده. مگر ندیدی محسن وقتی عصبی می‌شد، چه به روزش می‌آورد؟» (جهانی، ۱۳۹۷: ۶۲).

۳-۸-۲. خشونت روانی

خشونت علیه زنان تنها محدود به خشونت جسمی و آسیب‌های جسمانی نیست و زنان در جوامع مردسالار، همواره مورد انواع خشونت‌ها قرار می‌گیرند که یکی از آن‌ها خشونت روانی است. این نوع خشونت شامل رفتارهای خشن و بداخلاقی‌هایی، مانند دشنام دادن و فحاشی، تهدید به خشونت جسمی، بی‌احترامی، بی‌اعتنایی، بهانه‌گیری، ممنوعیت قائل شدن برای زنان در رفت و آمد با دیگران و یا بیرون رفتن، شکاکیت بر روی رفتار زن‌ها، تهمت و افترا و... می‌شود که گاهی ممکن است در جمع و در حضور دیگران صورت بگیرد و آسیب روانی بیشتری برای زنان به همراه داشته باشد. خشونت روانی بر روحیه و روان زنان آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد و ممکن است موجب سرخوردگی، انزوا، پوچ‌گرایی و یا حتی زمینه‌ساز اقدام به خودکشی در آنان شود.

۳-۸-۲-۱. خشونت کلامی

بخش قابل توجهی از خشونت علیه زنان به صورت تهدیدها و تحقیرهای کلامی، زخم‌زبان‌ها، فحاشی‌ها، بددهنی‌ها و در کل آزارهای لفظی علیه آنان صورت می‌گیرد که نوعی خشونت روانی و تأثیر آن به مراتب مخرب‌تر از خشونت جسمی است. در این رمان پدر محبوبه فردی است که دخترش را مورد آزار کلامی قرار می‌دهد. مردی که شهره دربارهاش می‌گوید: «از این مرد بیزارم. زبانش نیش دارد. بدتر از نیش عقرب. وقتی می‌گردد از مار گزیده بیشتر پیچ و تاب می‌خوری» (همان: ۹۶).

«راضی‌ام که هر کار می‌کند و هر دردی که دارد باز سوهان روحی مثل شوهرخاله مونسش نیست»

(همان: ۳۴).

۳-۸-۲. کم توجهی و بی توجهی

کم توجهی و یا بی توجهی به زن‌ها و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی آن‌ها از سوی پدر، برادر و یا همسر که می‌توان آن را نوعی خشونت روانی دانست، همواره جز دردهای درونی زن‌ها بوده‌است. مردها بدون توجه به پیچیدگی‌های عاطفی و آشنایی با روحیات زن‌ها آن‌ها را در حالت تشنگی محبت و عطش عاطفی نگه می‌دارند. نگاه جنسی صرف به زنان و بهره‌کشی برای تولید مثل از آن‌ها، سبب در حاشیه قرار گرفتن نیازهای عاطفی آن‌ها در جوامع مردسالار شده‌است. در این داستان، مادر شهره زنی است که از این ناحیه آسیب فراوان دیده‌است. او هیچ‌گاه مورد توجه عاطفی شوهرش قرار نگرفته و حتی تمام سرمایه و دارایی پدری‌اش را در این جهت خرج کرده؛ اما به نتیجه نرسیده‌است: «همه این تابلوها و مبل‌های غبارگرفته، تمام این روتولیزیونی و روتلفنی و رومیزی‌ها که انگار از ازل بوده‌اند در این خانه، شاهدند که مادر، دختر شانی‌خان، همه چیز داشت الا توجه پدر. همه سعی‌اش را کرد که با پول ارثیه‌اش، این یک قلم را هم بخرد که نشد. پدر گردن کج نکرد» (همان: ۶۰).

۳-۸-۳. خشونت جنسی

در جوامع مردسالار برتری جویی مردها و پایمال کردن حقوق زن‌ها گاهی به شکل مزاحمت‌ها و آزارهای جنسی جلوه می‌کند که از مصادیق بارز خشونت علیه زنان به شمار می‌آید. آزار جنسی به معنی هر نوع نگاه و تقاضای ایجاد رابطه‌ای است که به نوعی مضمون جنسی داشته‌باشد و بدون رضایت زنان بر آن‌ها تحمیل گردد و آن‌ها را در وضعیت حقارت، مرعوب شدن، تهدید، آزار و شیء‌وارگی قرار دهد (صادقی فسایی و لاریجانی، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۰). در جایی از داستان پیرزنی مسافر شهره می‌شود که دخترش در محل کار مورد دست‌درازی صاحب‌کارش قرار گرفته و او برای دفاع از خود مجبور به زخمی کردن صاحب‌کارش شده و به خاطر همین قضیه سر از زندان درآورده‌است: «صاحب‌کارش انگار دیه دانسته‌بود دخترم غیر مه کس و کاری نداره، شکمشه صابون زده بود بی شرف. یه روز خواسته بشش دست‌درازی بکنه، دخترم شیشه مغازه ره شکسته و یه تیکه ازش برداشته و کتفشه جرانده» (جهانی، ۱۳۹۷: ۲۰).

۳-۸-۴. خشونت اقتصادی

بر اساس سنتی دیرینه، اقتصاد خانواده با اشتغال مرد و کار بیرون از خانه او گره خورده‌است. این سنت گرچه به‌ظاهر آسایش و رفاه حال زن را نشان می‌دهد، اما درحقیقت موجب سلطه‌جویی مرد و وابستگی زن به او می‌شود و عاملی مهم و انکارناشدنی جهت ستم مرد بر زن است؛ بنابراین واگذاری امورات خانه به زن که

در قبال آن هیچ مزدی دریافت نمی‌کند و نوعی وظیفه محسوب می‌شود، به منزله پایمال کردن حقوق زن و نادیده گرفتن آزادی و استعدادهای اوست؛ به همین سبب «اغلب گروه‌های فمینیستی مارکسیستی معتقدند که تبعیض اقتصادی و وابستگی مالی به مردان باعث تبعیض جنسی، نابرابری و نابه‌نجاری‌های جنسی در روابط زن و مرد می‌شود. این مسئله از اولین و بنیادی‌ترین ستم‌ها در جامعه مردسالار تلقی شده‌است. برای رهایی از چنین ستمی چاره‌ای جز استقلال اقتصادی نیست» (قاسم‌زاده و علی‌اکبری، ۱۳۹۵: ۱۹۵). اعتقاد و تأکید فمینیست‌ها بر اشتغال و استقلال مالی زن‌ها به حدی زیاد است که سیمون دوبووار^۱ (۱۳۸۲، ج ۲: ۶۱۹)، از مبارزان و رهبران موج دوم فمینیسم می‌گوید: «فقط و فقط، کار می‌تواند آزادی واقعی برای زن تأمین کند. از لحظه‌ای که زن دیگر انگل نباشد، نظامی که بر وابستگی بنا شده‌است، درهم می‌ریزد؛ دیگر بین او و دنیا نیازی به واسطه مذکر نیست».

در این داستان شهره بارها برای کارهایی مانند پُر کردن دندان آسپاش یا رفتن به باشگاه بدنسازی از شوهرش تقاضای پول می‌کند و با واکنش تند و تلخ او روبه‌رو می‌شود که جلوه آشکار حقارت زنانه و خشونت اقتصادی علیه اوست تا جایی که باعث می‌شود قید جیره‌خوار بودن حامد را بزند و به فکر استقلال مالی و شغل رانندگی بیفتد. «من راننده تا کسی شدم که جیره‌خور حامد نباشم... به حامد گفتم: «دندان آسیابم کرم خورده‌س. داره یواش یواش به عصب می‌رسه».

گفت: «مگه تو دویست تا دندان داری که سالی ده تا عصب کشی می‌کنی؟» (جهانی، ۱۳۹۷: ۶۰).

به همین علت وقتی شهره با شغل مسافر کشی به استقلال مالی می‌رسد، احساس رضایت و سربلندی می‌کند: «حسی بهتر از این نیست که می‌دانم صاحب یک مشت پول هستم که می‌توانم در هر راهی خرجشان کنم. می‌توانم در مجهزترین باشگاه بدنسازی بانوان ثبت نام کنم؛ بی آنکه تحقیر بشوم» (همان: ۳۳).

۳-۸-۵. خشونت حقوقی

خشونت حقوقی علیه زنان، به مجموعه قوانین حقوقی و مدنی تبعیض‌آمیز جوامع گفته می‌شود. این گونه قوانین که بر مبنای گفتمان و فرهنگ مردسالاری تدوین شده‌اند، نه تنها حقوق اجتماعی برابر زنان در مقابل مردان را پایمال می‌کنند؛ بلکه زمینه‌ساز سوءاستفاده مردان علیه زنان در محیط خانواده می‌شوند. در رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد*، سه نوع خشونت حقوقی علیه زنان به چشم می‌خورد که در زیر به توضیح هر کدام از آن‌ها با آوردن شواهدی از متن رمان، پرداخته‌ایم.

۳-۸-۵-۱. ارث پسر و دختر

ارث پدر و تقسیم ناعادلانه آن بین دختر و پسر، یکی از جلوه‌های تبعیض و خشونت حقوقی علیه زنان است. در حقوق کشورهای اسلامی از جمله ایران، تفاوتی که در زمینه ارث بین زن و مرد وجود دارد، این است که علی‌الاصول سهم الارث زن نصف مرد است؛ یعنی دختر متوفی نصف سهم پسر او و خواهر نصف سهم برادر می‌برد (مهرپور، ۱۳۸۴: ۴۱)؛ از همین روی «یکی از مسائلی که فمینیست‌های اسلامی در پی کنارزدن آن هستند، موضوع ارث است. آنان معتقدند در تقسیم ارث نباید هیچ فرقی میان زن و مرد قائل شد» (ابویسانی و کاری، ۱۳۹۱: ۱۹).

در این داستان پدر بزرگ (مادری) شهره بنا به وصیتی مکتوب اموالش را به مساوات بین فرزندانش تقسیم می‌کند؛ اما دایی شهره وصیت‌نامه را از بین می‌برد و تمامی دارایی پدر را بالا می‌کشد. خاله شهره برای گرفتن سهمش از او شکایت می‌کند و او را به دادگاه می‌کشاند که این کار باعث کدورت بین آن‌ها می‌شود. «خاله می‌گوید که پدرشان در وصیت‌نامه‌ای که به جا گذاشته خواسته که کل دارایی‌اش به مساوات بین دخترها و پسرش قسمت شود؛ ولی دایی می‌گوید روحش هم از این ماجرا خبر ندارد» (جهانی، ۱۳۹۷: ۸۸).

۳-۸-۵-۲. حق طلاق

حق طلاقی که قانون به مرد داده، جلوه‌ای آشکار از برتری دادن جنس مذکر بر مؤنث در جوامع مردسالار، ستم و خشونت حقوقی علیه زنان است. در این داستان شهره با وجود اختلافاتی که با حامد بر سر مسئله راننده تاکسی شدنش دارد و با وجود خیانت‌هایی که گاه‌گاه در رفتار او می‌بیند، باز حاضر به ترک زندگی و جدایی از او نیست؛ اما حامد که دل به زنی دیگر به نام هستی باخته‌است، با رفتارهای سرد و بی‌روح خود شهره را مورد خشونت عاطفی قرار می‌دهد و عاقبت از امتیاز و حق طلاقی که قانون به او داده، استفاده می‌کند و حرف دلش را بر زبان می‌آورد: «تمام شب تو ماشینم که پارک شده بود، چند کوجه دورتر از خانه به جمله حامد فکر کردم؛ وقتی زل زد تو چشمام و گفتم: «دیگه ادامه ندیم شهره».

گفتم: به چه؟

گفت: به این زندگی.

گفتم: مگه دل بخواهی؟

گفت: برای من هست.

گفتم: خب بله. چون یه مردی نی حق به خودت می‌دی؛ اما برای دو طرف باید باشه.

گفت: خواستم به‌ات احترام گذاشته باشم و گرنه می‌تونم همین فردا طلاق بدم» (همان: ۱۳۶).

۳-۵-۸-۳. حضانت فرزندان پس از طلاق

با وجود این که حقوق مدنی ایران بر طبق ماده ۱۱۶۹ اصلاح‌شده قانون مدنی حضانت مادر را تا هفت سالگی برای فرزند پسر و دختر مقدم بر حضانت پدر می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ج ۲: ۱۵۵)، اما مسئله حضانت در عمل زمینه‌ساز ستم بر زنان است؛ چرا که زن‌ها به خاطر عاطفه قوی و حس مادرانه‌ای که دارند، بعد از طلاق تمایل بیشتری برای پذیرفتن حضانت فرزندان دارند و همین احساس مادرانه قوی به نقطه ضعفی برای کینه‌کشی مردان از زن‌ها تبدیل می‌شود.

در این داستان، محبوبه بعد از این که به خاطر کم‌توجهی محسن به احساساتش و خشونت‌های جسمی از او طلاق می‌گیرد، مورد انتقامش قرار می‌گیرد. محسن که از علاقه بی‌اندازه محبوبه به دخترشان، مهرسا، خبر دارد، از این موضوع به‌عنوان پاشنه آشیلی برای شکنجه روحی محبوبه استفاده می‌کند: «من فکر می‌کردم هیچ قانون و زوری قدرت گرفتن مهرسا را از من نداره؛ اما همون قانونی که مهرسا را داد به محسن، حالا کجاست تا بیسه شیش ماهه من دخترم را ندیدم؟ بهانه‌شان هم نداشتن آدرس خانه محسنه...» (جهانی، ۱۳۹۷: ۱۱۹).

۴. نشانه‌های زنانه‌نویسی

زنانه‌نویسی، جنسیتی کردن ادبیات بر اساس تجربه و نگاه زنانه است که منجر به آفریدن شکل، صدا و محتوایی زنانه و متفاوت با صدای مردان می‌شود. هدف زنانه‌نویسی پرداختن به مسائل، مشکلات و حالات و روحیات خاص زنان به منظور نمایان‌ساختن شعور و حساسیت‌های جنس زن است؛ زیرا زنان به لحاظ روحی و فیزیولوژیکی دارای مسائل خاصی مانند بارداری، سقط جنین، مادرشدن و... هستند که در جنس مخالف نیست و ناتوانی مردان در تجربه زیستی این مسائل، سبب شده که آن‌ها به هنگام نوشتن درباره این مسائل، به پای زنان نرسند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۲). در داستان‌هایی که به قلم زنان نوشته می‌شود، نشانه‌های فراوانی به چشم می‌خورد که منحصر به جهان‌بینی، نگرش و بینش زنانه و محصول تجربه‌های زیستی آنان است که ما در این جا سعی کرده‌ایم برخی از این نشانه‌ها را در رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد* بررسی کنیم.

۴-۱. جزئی‌نگری

صدای راوی مرد در پی چشم‌اندازها و مضامین کلان و دست‌نایافتنی است؛ اما در نوشتار زنانه، نگاه ریزبین و جزئی‌نگر زن حاکم می‌شود و ما با توصیفات دقیق و موبه‌مور و موبه‌رو هستیم؛ به همین خاطر می‌توان گفت

ریزینی و توجه به امور خرد و کوچک و نگارش ریزه کاری‌ها و جزئیات، ویژگی برجستهٔ رمان زنانهٔ فارسی است (همان: ۴۱۴-۴۱۵).

در این داستان هم ریزنگاری‌های زنانه و دقت و خردبینی نویسنده به خوبی نمایان است؛ برای نمونه در جایی از داستان، شهره جزئیات تابلوی نقاشی محبوبه را این گونه توصیف می‌کند: «تصویر هشلهفتی هم کنج دیوار است که دهن کجی می‌کند به درک هنری‌ام. کلاغی نیمه کاره که هنوز فقط چشم‌های درشت و گرد دارد و شاخهٔ درختی را لای پنجه‌هاش که شبیه پنجهٔ دست است گرفته. نه دم دارد و نه بال. یک بدن لاغر و پوشیده از پر سیاه دارد. پشت‌زمینه‌اش هم زمینی وسیع پوشیده از پرهای سفید کبوتر است» (جهانی، ۱۳۹۷: ۳۷).

۲-۴. اطناب و پُرگویی

اطناب و پُرگویی هم از ویژگی‌های نثر زنانه است که می‌توان ریشه‌های آن را در بغض‌های فروخوردهٔ زنان و جزئی‌نگری‌های زنانه دانست. محدودیت‌هایی که فرهنگ مردسالار برای زنان می‌تراشد، سبب می‌شود که نیازها و خواسته‌های ارضا نشدهٔ آنان به شکلی‌های دیگری مانند پُرگویی جلوه کند و از طرفی دیگر دقت در توصیف نیز به تطویل کلام زنانه می‌انجامد که در این داستان هم نمونه‌های فراوانی از این ویژگی به چشم می‌خورد: «کیف سیاه تو مشتم است. درش را باز می‌کنم. طرف از ما بهتران است. این را دلارهای خوابیده بغل یکی دو اسکناس وطنی کیف می‌گویند. ورزشکار است. کارت مریگری باشگاه کشتی‌اش می‌گوید. به خودش حسابی می‌رسد. پس فردا نوبت دندانپزشکی دارد. بی‌هوا زبان می‌سرانم رو دندان لب پر شدهٔ آسیابم. کارت انتقال خون و اهدا عضو... شناسنامه‌اش را باز می‌کنم. اسمش فرهاد است. سی‌وهشت سالش است. اسم زنی در شناسنامه‌اش نیست. من زیارتش کرده‌ام. من یک خرده حساب صاف نشده با او دارم. من...» (همان: ۳۲).

۳-۴. نوستالژی

زن‌ها هنگام رویارویی با مشکلاتی که توان حل آن‌ها را ندارند، گاه به خاطرات گذشته پناه می‌برند و با تداعی گذشته‌های خوش کودکی به آرامش مقطعی می‌رسند؛ برای همین است که در رمان‌های زنان نوستالژی^۱ «و غم غربت از مضامین و موضوعات رایج است. بازگشت به گذشته به صورت‌های متفاوت از موضوع‌های مورد علاقهٔ ایشان است. یادآوری دوران خوب کودکی و بازگشت به روزهای سرشار از شادی خردسالی از موضوع‌های این داستان‌هاست» (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۶).

در جای جای داستان خاطرات خوش گذشته و خردسالی برای شهره یادآوری می شود و او با مرور آن‌ها می خواهد که برای چند لحظه‌ای از زیر بار مشکلاتش شانه خالی کند: «اگر فرمان نبود، می توانستم زانو هام را بغل بگیرم؛ سر روشن بگذارم و دست بکنم تو سوراخ سنبه‌های ذهنم و یکی از خاطرات خوبم را بیرون بکشم و برای بار هزارم مرور کنم؛ خودم را بینم که...» (جهانی، ۱۳۹۷: ۱۶).

۴-۴. روایت دالان در دالان

روایت دالان در دالان یا تو در تو هم از ویژگی‌های سبک زنانه است که شاید بتوان آن را نتیجه اطناب و پُرگویی سبک زنانه دانست. در این رمان، روای ضمن روایت اصلی داستان، بارها با بازگشت به گذشته، به بیان خاطره یا داستانی کوتاه از گذشته خود یا سایر شخصیت‌ها می پردازد و شبکه‌ای درهم تنیده و تو در تو از روایت اصلی با خرده روایت‌ها می آفریند؛ برای مثال در جایی از داستان، شهره در ضمن روایت دعوی لفظیش با فرهاد که در اولین دیدار این دو رخ می دهد، به بیان داستان دعوایش با حامد سر میز شام می پردازد: «به حالت تحقیر سر تکان می دهد و می رود. انگار که من چون یک زنم و زن‌ها باید آخر زنانگی باشند و من نیستم، چندش آور به نظر می رسم. حامد هم سال‌های آخر همین شکلی سر تکان می داد... یک بار سر سفره دست از غذا کشید و زل زد به ام. گفت: «دنبالت گذاشتن؟»

گفتم: نه. چرا؟

گفت: پس چرا لقمه‌ها تو این قدر بزرگ می گیری.

غذا تو دهنم ماسید. حس کردم لقمه الان است که خفهام کند. قاشق را کوبیدم تو سفره و گفتم: یه جوری رفتار مکنی انگار امروز با مه آشنا شدی. مه که خوب می فهمم دردت چیه. دردت لقمه‌های بزرگ مه نیست؛ این‌ها بهانه‌س...» (همان: ۲۷).

۴-۵. جست و جوی عشق حقیقی

از مؤلفه‌های بارز سبک زنانه، موضوع عشق آرمانی و ایده آل زنان است. «جست و جوی هویت در رمان‌های زنان اغلب با جستجوی عشق حقیقی همراه است. زنان همواره به نوعی عشق و عاشق‌انگیزی می‌اندیشند؛ عشق متعالی و روحانی که جانیشان را لبریز کند» (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۵). شهره در این داستان گاهی به صورت ناخود آگاه به عشقی واقعی که وجود او را از محبت سرشار کند، احساس نیاز می کند. «چه مرگم می شود این صلات ظهرهای کوفتی که وا می مانم از همه جا و صدای قاشق چنگال سفره خانواده‌ای خوشبخت تو مخم می پیچد؟ یا صدای مردانه‌ای که اسم کوچکم را به زبان می آورد: «شهره بیانه‌ها بخور...» (جهانی،

۱۳۹۷: (۲۱).

۵. نتیجه گیری

نقد فمینیستی (زن مدارانه) رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد* به خوبی نشان می‌دهد که ما با اثری کاملاً زن محور و دارای شاخصه‌های نوشتار زنانه روبه‌رو هستیم. بر پایه نقد زن محور این اثر، می‌توان گفت که نویسنده جلوه‌های گوناگونی از تجربیات، مسائل و مشکلات زنان در خانواده و جامعه مردسالار را به نمایش گذاشته و کوشیده‌است تا از طریق انعکاس اصلی‌ترین دردها و دغدغه‌های درونی و مشترک زنان، زبان گویای آنان باشد. مهم‌ترین مسئله زنانه‌ای که در سرتاسر این رمان با آن روبه‌رو هستیم و باید آن را محور اصلی حوادث داستان بدانیم، مسئله ضرورت استقلال مالی زنان است که می‌توان آن را نوعی پرخاش زنانه به خشونت اقتصادی مردان و تلاشی در جهت اثبات توانایی‌های زنان دانست؛ علاوه بر این مسئله در جای‌جای داستان موضوعات گوناگونی که زنان جامعه مردسالار از دیرباز تاکنون با آن‌ها درگیر بوده‌اند، به چشم می‌خورد. نگاه سنتی و تبعیض آمیز خانواده و جامعه به جنس مذکر که او را برتر از جنس مؤنث می‌داند و منجر به سرخوردگی و خودکم‌بینی جنس مؤنث در مقابل مذکر می‌شود، در چند جای داستان مشاهده می‌شود که شخصیت اصلی داستان بارها با بی‌پروایی تمام این تفکر را به چالش می‌کشد. پدرسروری که می‌توان آن را رفتارهای نامناسب پدران با دختران خود و محدودیت قائل شدن برای آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی تعبیر کرد، مردستیزی زنان و عصیان آن‌ها علیه سنت‌ها که ریشه در حقارت‌ها و سرخوردگی‌های دیرینه زنان دارد، نیز از مهم‌ترین موضوعات زنانه‌ای است که در داستان با آن روبه‌رو هستیم. همچنین ازدواج زودهنگام، بی‌وفایی، تنوع‌طلبی و خیانت مردان و خشونت‌های جسمی، روانی، جنسی، اقتصادی و حقوقی علیه زنان، دیگر مسائل و مشکلات زنانه‌ای است که در داستان مطرح شده‌اند.

بررسی رمان *این خیابان سرعت گیر ندارد* بر اساس نقد سبک زنانه نشان می‌دهد که این اثر دارای ویژگی‌های گوناگونی از نوشتار زنانه و نیز تجربیات و احساسات خاص زنان است. در این داستان راوی با نگاهی موشکافانه و خردبین به ذکر جزئیات حوادث و توصیف ریزینانه اشیا و امور داستان می‌پردازد. اطباب و پُرگویی که از ویژگی‌های رفتاری زنان و نیز از شاخصه‌های نثر زنانه رمان فارسی است، در این داستان هم نمودی چشم‌گیر و بسامدی بالا دارد. این اطباب و پُرگویی گاهی سبب می‌شود که راوی در دل روایت اصلی داستان، داستان‌های کوچک‌تری را ارائه دهد و شیوه روایت، داستان در داستان شود. ذکر جزئیات زندگی خانوادگی نیز که از ویژگی‌های نثر زنانه و علاقه‌های نویسندگان زن است، در این اثر به

چشم می خورد. یاد کرد گذشته‌های خوش و خاطرات شیرین دوران کودکی و نوجوانی برای رسیدن به آرامش مقطعی، دیگر مشخصه نثر زنانه است که در این داستان نیز بارها در رفتار شخصیت‌هایی مثل شهره و محبوبه مشاهده می‌شود. میل به مادر شدن و داشتن فرزند، احساسی قوی است که در وجود هر زنی یافت می‌شود و در اکثر داستان‌های زن‌محور رگه‌هایی از آن دیده می‌شود. نویسنده در این اثر از شخصیت احساسی محبوبه که حسرت دیدار فرزندش به دلش مانده، برای پرداختن به حس مادرانه زن‌ها استفاده کرده است. میل به یافتن عشق حقیقی نیز در رفتار شهره، هنگام آشنایی با فرهاد و مورد محبت قرار گرفتن او، کاملاً مشهود است.

کتابنامه

- ابویسانی، حسین و فاطمه کاری (۱۳۹۱)، «تحلیل رمان «زینب» بر اساس نقد فمینیستی»، *پژوهشنامه نقد ادب* عربی، سال ۲، شماره ۲، صص ۷-۲۸.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۴۷-۸۴.
- پاینده، حسین (۱۳۸۲)، *گفتمان نقد؛ مقالاتی در نقد ادبی*، چاپ اول، تهران: روزنگار.
- جهانی، مریم (۱۳۹۷)، *این خیابان سرعت گیر ندارد*، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- حسینی، مریم (۱۳۸۴)، «روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، شماره ۹ (پیاپی ۹۳)، صص ۹۴-۱۰۱.
- خسروشاهی، قدرت‌الله و فهیمه مومنی‌راد (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اشتغال زن در مکتب اسلام و فمینیسم»، *فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال ۲۱، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۳۴.
- داد، سیما (۱۳۹۰)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ پنجم، تهران: مروارید.
- دوبووار، سیمون (۱۳۸۲)، *جنس دوم*، ترجمه: قاسم صنعوی، چاپ پنجم، تهران: توس.
- رودگر، نرجس (۱۳۹۴)، *فمینیسم؛ تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد*، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- روزبه، محمدرضا و مریم طالبی (۱۳۸۹)، «نقد فمینیستی مجموعه داستان‌های شیوا ارسطویی»، *دوفصلنامه علوم ادبی*، سال ۳، شماره ۵، صص ۸۹-۱۲۴.
- سبزیان مرادآبادی، سعید و میرجلال‌الدین کزازی (۱۳۸۸)، *فرهنگ نظریه و نقد ادبی؛ واژگان ادبیات و حوزه‌های وابسته*، چاپ اول، تهران: مروارید.

- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *نقد ادبی*، چاپ چهارم، تهران: فردوس.
- صادقی شهرپر، رضا و راضیه حجّار (۱۳۹۲)، «نقد فمینیستی رمان سگ و زمستان بلند»، *فصلنامه ادب پژوهی*، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۷۳-۹۴.
- صادقی فسایی، سهیلا و مهسا لاریجانی (۱۳۹۲)، «آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال ۷، شماره ۲، صص ۸۷-۱۱۱.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، *سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ اول، تهران: سخن.
- قاسم‌زاده، سید علی و علی اکبری، فاطمه (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های نوشتار زنانه در رمان سرخی تو از من»، *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، سال ۲۴، شماره ۸۰، صص ۱۸۱-۲۰۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، *دوره حقوق مدنی خانواده*، جلد ۲، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی اجتماعی زنان ۳- خشونت علیه زنان»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۶-۱۹.
- محمدی آسیابادی، علی و افروز نجابتیان (۱۳۸۹)، «جلوه‌های زنان در خانه ادیسی‌ها»، *فصلنامه ادبیات و علوم انسانی*، سال ۵، شماره‌های ۱۸ و ۱۹، صص ۱۶۵-۱۸۰.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، *از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تاریخ دو قرن فمینیسم*، چاپ پنجم، تهران: شیرازه.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۴)، *مباحثی از حقوق زن؛ از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی*، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
- وولف، ویرجینیا (۱۳۸۹)، *زن و ادبیات؛ سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان*، ترجمه: منیژه نجم‌عراقی، نسترن موسوی و مرسته صالح‌پور، چاپ سوم، تهران: چشمه.